

هو الابهی

ای شمع انجمن بهائیان در این چمن چون گل و یاسمن بشکفتی و چون مرغ سحر لثالی معانی سفتی و مرغان چمن الهی را بوجد رحمانی و طرب روحانی آوردی و محافل بهائیان بیاراستی و مجامع ملکوتیان زینت بخشیدی مؤید بجنود ملکوت گردیدی و موفق بتأیید قواء جبروت جمال قدم و اسم اعظم پشت و پناه ماست و ملجأ و ملاذ آگاه عنقریب ملاحظه فرمائی که رویت در زجاجة عون و صونش چون شمع روشن است و خویت گلستان عنایت ذو المنن روح القدس تلقین مینماید و روح الامین تأیید قواء غیبیه ظهیر است و الهامات لا ریبه دیر و مشیر الآن این عبد آستان بها در محلی تنها در دامنه کوه کرمل خامه در دست و بیاد روی و خوی تو مألوف و بتحریر مشغول اگر بدانی بچه حالت بکتابت پرداخته ام البته شوق و انجذاب و شور و اشتعال چنان استیلا نماید که و من حرقتی نار الخلیل کجذوة بر زبان رانی و جمیع طواری و احوال فراموش فرمائی چه که الحکم للغالب ثابت است چون روح و ریحان غالب گردد غموم و احزان غائب شود چون نور طلوع کند ظلمات افول نماید یعنی محو و نابود گردد و البهاء علیک

اللهم یا الهی افض علی حقیقة ذات عبدک المنجذب بفیض شهودک و لذّة جودک حتّی یصبح شهوده لذّة ذاتیة الهیة ساریة جاریة فی جمیع ارکانه و اعضائه و جوارحه و احشائه و حقّقه یا الهی بانسانیة تکن انسان العین الکلی لا یحصرها شیء و لا یقدر قدرها سواک و اسمعه یا الهی لذیذ خطابک فی کلّ حال من احواله بکلیّته حتّی لا یحرم جزء من اجزائه من لذّة الخطاب یا عزیز و یا وهّاب و انّی یا الهی حقّقنی بعبودیّة محضه لا نفحة ربویّه فیها حتّی ترسخ قدم عبودیتی رسوخاً و ثبوتاً لا تنزلّه تجلّی مشاهد الکبریا و لا اذهل عنها عند فیض تجلّیات الملکوت الابهی و اذقنی یا الهی حلاوة تلك العبودیّة فی کلّ احوالی و اطواری و انفاسی و احساسی حتّی تتجلّی علیّی هی حقیقة ابدیّة فیصبح ذاتی صدقاً محضاً خالصاً ابدیاً سرمدیاً فانّ العبودیّة هی ترجمة الدیوان الالهی یا رحمانی فاجعلنی بکلیّتی مستغرقاً فی بحرهای مقترباً من فیضها مغترباً من نهرهای ثمّ اکشف لی یا الهی عن سرّ قیومیّتک الّتی قامت بها کلّ الاشیاء لعلّی اطلع علی حقیقة الاستواء الفائضة علی المراتب و المقامات و الجامعة للحقائق الکونیّة باسرها المستفیضة من فیض القدم و المستفیدة من مواهب الاسم الاعظم ثمّ اجعل عبدک الادیب خائضاً فی هذا البحر العمیق و ایده علی ابرآء الاکمة و الابرص و الاصلمّ یا جلیل النعم و عظیم الکرم انّک انت الکافی الوافی الحافظ المقتدر العزیز الرحیم ع ع